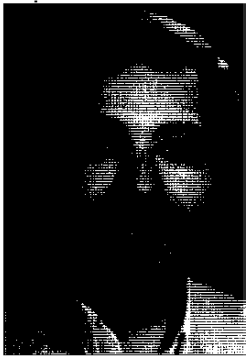


در گفت و گو با سید محمود میرلوحی بررسی شد

جایگاه یک معاونت حقوقی و امور مجلس کجاست

اشاره:

اهمیت و نقش «حقوق» و نگرش های حقوقی در مجموعه عملکردی دستگاه‌های امری غیر قابل انکار است. ضمن آن که ارتباط بسیار این مساله با نهاد قانونگذاری کشور و نیز نقش نظارتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی موجب شده تا ایجاد ارتباط، تعامل و هماهنگی با قوه مقننه یکی از محورهای شود که قوه مجریه به طور خاص در فهرست امور خود در نظر گیرد. معاونت‌های «حقوقی و امور مجلس» وزارتخانه‌های زیر مجموعه قوه مجریه به این منظور ایجاد شده که امور حقوقی و مسایل مربوط به مجلس شورای اسلامی را پیگیری می‌کنند. اما این که به واقع تا چه حد معاونت‌های مذکور بر جایگاه، وظایف و اختیارات حوزه خود اشراف دارند، موضوعی است که این نشریه در گفت و گوهای اختصاصی با معاونت حقوقی و امور مجلس هر وزارتخانه به بحث گذاشته است. در این شماره با سید محمود میرلوحی، معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت کشور به گفت و گو نشستیم که می‌خوانید:



تصویب در دولت و مجلس برسد. لذا طبیعی است که این حوزه، حوزه حساسی می‌تواند باشد. شاید بعضی از صاحب‌نظران وجود بخش‌های گسترده حقوقی دستگاه‌ها در کشور را شاخص خیلی مثبتی نمی‌دانند حتی می‌خواهم عرض کنم در بعضی از جاها ممکن است به عنوان یک شاخص منفی هم ببینند یعنی نشان از نوعی نظام‌های سخت گیر و دستوری و امثال اینها تلقی کنند، ولی حداقل در شرایط فعلی در کشور ما به نظر می‌آید که این معاونت دقیقاً در مسیر توسعه دموکراسی و توسعه حقوق شهروندی، توسعه قانونمندی و قانونمداری قرار دارد.

پس شما وجود معاونت پارلمانی و حقوقی را خصوصاً در کشور ما ضروری و مفید می‌دانید؟

در شرایط فعلی ضروری می‌دانم و فکر می‌کنم که کار بسیار مهم و ضروری است. در مرحله‌ای که ما الان داریم و دموکراسی نوجوان جمهوری اسلامی ایران در حال شکل‌گیری است این مناسبات بین بخش‌ها ضروری است. همانطور که عرض کردم ما در واقع هنوز در مرحله مراقبت، ترویج و نهادینه کردن فرهنگ قانونمداری هستیم. طبیعتاً وجود چنین واحدها و بخش‌هایی در این مسیر بسیار می‌تواند مؤثر باشد.

جنابعالی بر ضرورت فعالیت معاونت‌های پارلمانی و حقوقی تاکید کردید. در عین حال با چنین تاکیدی چه نگاهی به جایگاه این معاونت در ایجاد تعامل بین قوا دارید؟

بنده معتقدم حوزه‌ای که ارتباطات بین قوا را با یک وزارتخانه تنظیم می‌کند، حوزه معاون

جناب آقای میرلوحی قبل از ورود به بحث چه تعریفی از جایگاه معاونت حقوقی و امور مجلس در وزارت کشور و فراتر از آن در کل قوه مجریه ارایه می‌دهید؟

مادر کشوری زندگی می‌کنیم که هنوز در مسیر قانونمندی، مراحل شکل‌گیری و میانه را طی می‌کند؛ اگر بخواهیم با خوشبینی نگاه کنیم هنوز در دوران نوجوانی به سر می‌بریم. هنوز در کشور ما به جهت وجود و تجربه حکومت‌های استبدادی و نظامات غیر مردمی در گذشته، آنگونه که بایسته است، قانون و قانونمندی جایگاه خود را نیافته، در نتیجه با قرار داشتن در یک چنین شرایطی قبل از هر سخن لازم است فرایند قانون نویسی، تنظیم قانون و اجرای قانون مورد مراقبت و توجه و نظارت خاص قرار بگیرد.

در کشور ما بر اساس تجربه‌ای که دستگاه‌های اجرایی پیدا کرده‌اند احساس کرده‌اند که یک حوزه مستقل یا با ترکیبی از فعالیتهای دیگر وزارتخانه‌ها را در حوزه‌ای تحت عنوان حقوقی و امور مجلس در نظر بگیرند. در حوزه وزارت کشور که حوزه خیلی حساسی هم هست، حوزه معاونت حقوقی نیز به جهت تنظیم ارتباط بین وزارت کشور و مجلس حساس است. حساسیت مناسبات و روابط بین این دو بخش نیز بسیار است. این معاونت به نسبت ارتباطی که با مجلس دارد همانند یک چهارراه اطلاعاتی، نیاز سنجی، بازنگری و تنقیح قوانین عمل می‌کند. در واقع، مسائل حقوقی وزارتخانه و حوزه‌های متنوع و مختلف و گسترده در این بخش دسته بندی و اولویت بندی می‌شود و از سوی دیگر پیگیری این مراحل نیز اعمال می‌شود که به مراحل تدوین ایده‌ها - در قالب لوایح و طرح - منجر بشود، تا به مراحل نهایی

حقوقی و امور مجلس است. درست است که معاونت‌های تخصصی در جلسات تخصصی حضور می‌یابند ولی به طور کلی این حوزه معاون حقوقی است که مجموعه قضایا و مناسبات را رصد می‌کند. در حال حاضر در وزارت کشور همین گونه است. برای هر لایحه‌ای که تنظیم شود، درست است که حوزه تخصصی مربوطه قدم اول را بر می‌دارد یا اعلام نیاز می‌کند، اما در نهایت به حوزه معاونت حقوقی می‌رسد و هیچ حوزه‌ای نمی‌تواند به اندازه این حوزه به نیازهای قانونی و حقوقی یک وزارتخانه اشراف داشته باشد. بحث جایگاه نیز بحث ساختار است. معمولاً از جهت علمی اشکال مختلفی برای ساختار تعریف می‌کنند. ساختار وظیفه‌ای، ساختار بر اساس مشتری و ساختار بر اساس تولید و بر اساس منطقه عملیاتی. با این نگاه الان در واقع حوزه حقوقی و امور مجلس ساختاری بر اساس مشتری است. یعنی در واقع با افراد خاصی سر و کار دارد و موضوعی نیست که بگوییم فقط به یک موضوع یا فرضاً با بخش خاصی و شخصی

اختصاص دارد. در نتیجه بقای این حوزه نیز بستگی دارد به اینکه چقدر قدرت ارتباط داشته باشد. در این حوزه قدرت برقراری ارتباط بسیار مهم است و قدرت رصد نیازهای مختلف بخش‌ها و حوزه‌های مختلف و از سوی دیگر قدرت انتقال آن‌ها بسیار کارساز است. حوزه حقوقی و امور مجلس باید بتواند مسائل را خوب شناسایی کند در سطح دستگاه خوب دسته بندی کند، خوب منتقل کند و خوب ایجاد ارتباط کند، چون بالاخره حوزه‌ای است که می‌خواهد با مجلس ارتباط برقرار کند طبیعتاً باید موضوع ساختار، کارکرد مجلس، اهداف مجلس، وظایف قانونی مجلس و محدوده اختیارات آن را بداند بشناسد و بتواند وارد آن شود و برنامه ریزی بکند و براساس برنامه عمل کند. مسائل علمی و دسته‌بندی‌های علمی از گذشته تا حال خیلی تغییر کرده است. در گذشته وقتی به کسی می‌گفتند حکیم یا فیلسوف همه کاره بود اما الان تخصصی شده و تا شمامبحث از مهندسی می‌کنید خیلی سریع ذهن‌ها به سمت مسائلی که شخص روی آن تخصص دارد، می‌رود ولی در عرصه سیاست و مدیریت به نظر می‌آید هنوز ما خیلی تازه کار هستیم. لذا به جنبه‌های علمی، تخصصی در علوم سیاسی و علوم مدیریتی خیلی اعتنا نداریم. معتقدیم که حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس هم یک حوزه تخصصی است. اگر معاونت حقوقی و امور مجلس بدون برنامه ریزی و استراتژی حرکت کند معلوم نباشد به کدام سمت و چه هدفی دارد، نه خودش می‌تواند رفتار و عملکرد خود را ارزیابی کند نه دیگران. از سویی این حوزه مثل حوزه‌های تخصصی خیلی مدون و تنظیم شده و استاندارد شده نیست و اشکالش شاید همین است.

یعنی می‌فرمایید نسبت به دیگر معاونت‌ها ناشناخته و تعریف نشده است؟

بستگی به این دارد که خود معاونت‌های حقوقی چطور تدارک کنند. اگر خوب بتوانند مسائل را حل و فصل کنند می‌توانند از معاونت‌های بسیار مهم تلقی شوند و اگر نتوانند خوب برنامه‌ریزی و خوب ارتباط برقرار کنند و خوب مسائل دو طرف و نیازهای وزارتخانه را با مجلس و یا دستگاه‌های مربوط دیگر و یا بالعکس منتقل کنند کارشان به بن بست‌های زیادی منتهی می‌شود. جایگاه هم خود به خود به حدی تنزل می‌کند که ممکن است به انکار در سایر حوزه‌ها منجر شود. لذا جایگاه این حوزه اولاً بر می‌گردد به شناخت، مسئول اصلی، بالاخره وزیر محترم که نصب می‌کند، ثانیاً خود معاونی که مسئولیت این حوزه را برعهده گرفته باید با علاقه و انگیزه و شناخت کارش را شروع کند و بعد هم حتماً با برنامه و استراتژی وارد مسئولیت خود بشود و معیارهای مناسبی برای ارزیابی عملکردهای خود داشته باشد. اگر چنین باشد به نظر من جایگاه متناسب، موثر و تأثیرگذار در وزارتخانه

خواهد داشت و در ایجاد ارتباط و تعامل با قوانین موفق می‌شود.

در حال حاضر از نوع فعالیت معاونت‌های حقوقی این برداشت به وجود آمده که این معاونت‌ها به واسطه ثقل کاری و فعالیت‌هایشان که بر امور مجلس معطوف است باید اسم «معاونت امور مجلس» بگیرند و در پراکنش هم امور حقوقی و کارهای تخصصی حقوقی، پژوهش‌های حقوقی را پیگیری کنند. می‌خواهم بدانم معاونت‌های حقوقی و پارلمانی چرا تا این حد توازن پرداختن به امور حقوقی و امور مجلس را رعایت نمی‌کنند. آیا به نسبت شرایط روز کشور درگیر پارلمان می‌شوند یا اینکه خودشان ترجیح می‌دهند که به امور مجلس بیشتر بها دهند تا امور حقوقی؟

من خیلی این را نقطه ضعف نمی‌دانم. شاید نقطه ضعف آن باشد که معاون امور مجلس در مجلس به کارهای موثر و تأثیرگذار موفق نشود و گرنه اگر همین پرداختن به امور مجلس هم موفق باشد، به نظر می‌رسد حداقل نصف مسئولیتش را یک معاونت حقوقی و امور مجلس انجام داده است. یعنی اگر توانسته باشد خوب با مجلس تعامل و تبادل اندیشه و نظر داشته باشد، خود امر مهمی است. البته منظور این نیست که بعضی وقتها به روزمرگی و مسائل پیش پا افتاده مبتلا شویم که نه در شان مجلس و نه در شان وزارتخانه باشد و نه هدف‌های مجلس را تأمین کند و نه هدف‌های وزارتخانه را. ولی در عین حال انتقاد شماره‌ا قبول دارم. بعضی وقت‌ها به خاطر کم‌اعتنایی به بخشی، فعالیت در یک بخش دیگر بیشتر می‌شود. البته مشکل ما نگاه به جایگاه‌های مدیریتی نیز هست.

شما ملاحظه کرده‌اید. اغلب مسائل مهم در قالب لویج دو فوریتی و سه فوریتی و یک فوریتی به تصویب می‌رسد. من این را یک نقیصه می‌دانم و این را یک شاخص منفی تلقی می‌کنم. بنده عرض می‌کنم اصلاً مدیریت بحران یک توهم است ما بحران مدیریت داریم. فوریت برای قانون یک توهم است. نمی‌گویم تأخیر و تعلل‌ها را نباید ببینیم. اتفاقاً باید ببینیم که اصلاً چرا اتفاق افتاد؟ اگر جلوی تعلل‌های دیگر را به موقع بگیریم و درست برنامه ریزی کنیم و جلوتر از زمان حرکت کنیم نیازی به سه فوریت و دو فوریت نیست آن هم بدون بررسی‌های تخصصی حقوقی. مثلاً در تهران مسئله تراکم پیش آمد، یک مقوله‌ای که حداقل در ده سال اخیر، ده هزار میلیارد تومان کارکرد مالی داشته است؛ سال‌ها از کنار این موضوع می‌گذریم، روزی مثل امروز فرامی‌رسد که بایک توصیه‌ای، تذکری با یک نشست می‌باید مسئله حل شود اما می‌بینیم قانون مشخص و مدونی وجود ندارد که بازنگری و اصلاح شود. گاهی در مجلس و دولت برای صد میلیون تومان ۱۰ جلسه و شور

اول و دوم طی می‌کنیم که چه؟ لذا اگر با این نگاه که بالاخره کشور نیاز به قانون دارد و دیگر روابط و مناسبات قوی و ریش سفیدی جای خود، اما این‌ها حتماً باید در قالب یک قانون یا یک آیین نامه یا تصویب‌نامه یا بخشنامه‌ای باید در بیاید. جایی کسی به خودش اجازه ندهد که به هر نحوی طبق تشخیص و سلیقه خودش می‌خواهد عمل کند، خیرخواه است؟ دوستدار انقلاب است، دلسوز است اینها جای خود ولی همه مسائل باید در قالب قانون آن هم با بررسی تخصصی همراه باشد. خیلی از مسائل اینگونه بوده است. فلانی چون دلسوز است پس حق داشته است به هر نحوی رفتار کند به هر نحوی می‌خواهد با کاسب رفتار کند به هر نحوی با عابر رفتار کند. این‌ها که نشد حرف. لذا خود ما برای اینکه دچار چنین نقیصه‌ای نشویم اعلام کردیم که بخش حقوقی وزارت کشور خیلی بخش مهمی است. وزارت کشور یک وزارتخانه است که بالاخره نهاد دولت در سطح ملی و کشور است. در همه جا، استاندار نماینده وزارت کشور نیست نماینده رئیس جمهور و دولت هست. در نتیجه در گسترده‌ترین سطح و حساس‌ترین بخش‌ها که بخش‌های سیاسی باشند فعالیت دارد، و نمایندگان دولت هم پیچیده‌ترین مسئولیت‌ها را دارند. محورهای کار وزارت کشور هم گسترده است. نیروی انتظامی، سازمان ثبت احوال، شهرداری‌ها فعالیت‌های زیرمجموعه‌ها یا سازمان‌های وابسته به وزارت کشور بسیار است. مسائل حکومتی هم هست که کم مسائلی نیست که ما خواهیم به آنها کم‌اعتنایی کنیم یا درجه دو تلقی کنیم. اگر قانون

لایحه است فرایند قانون نویسی، تنظیم قانون و اجرای قانون مورد مراقبت و توجه و نظارت خاص قرار بگیرد

را راه و وصول به اهداف بدانیم به مرور زمان همه مسائل به استناد و استمداد از قانون حل می‌شود و جایگاه امور حقوقی نیز شفاف‌تر می‌شود. برای راهنمایی و رانندگی، برای اداره شهرها، برای مسکن، برای امنیت، برای هر مسئله‌ای دنبال یک راه نزدیک برای وصول به اهدافمان هستیم و اسمش را می‌گذاریم قانون، بعد از انقلاب در بسیاری از موارد با رودربایستی داریم کارها را پیش می‌بریم. همین موجب شده که امروز به وضوح می‌بینیم تا چه حد کمبود قوانین داریم. به طور مثال در مشکلات انتخابات، یک بخشی

سلاطین است. قبول داریم. ولی بخش قابل توجهی مربوط به کمیته‌های قانونی است. من هم قبول دارم نباید بخش دوم یا قانون نویسی در درجه دو سیستم‌های ما قرار گیرد بلکه باید به عنوان بخش نخست یا هم‌تراز با امور مجلس قرار گیرد. من احساس می‌کنم این چنین مشکلاتی را هنوز داریم و فرآیند قانون‌نویسی و اجرای مادر کشور هنوز به بلوغ مناسب نرسیده و کلاً نگاه حقوقی و قانون‌نویسی هنوز در اولویت قرار نگرفته است. چه در یک وزارتخانه چه در کل سیستم کشور.

درست است یک بخش مشکلات به بحران مدیریت کشور بر می‌گردد و این که حتی مسئولین بالاتر ما نگاهشان را به بخش‌های پایین‌تر تعریف شده و خیلی منطقی در نظر نگرفتند ولی فکر نمی‌کنید هنوز یک بخشی از این نبود تعریف وظایف و جایگاه مشخص مثلاً برای معاونت پارلمانی به خود معاونت‌های وزارتخانه‌ها و نهادها بر می‌گردد، یعنی خودشان را معرفی نمی‌کنند. در همین مثال بحث تراکم که اشاره کردید معاونت حقوقی وزارتخانه ما باید این توانایی را داشته باشد که قبل از اینکه کشور یا مردم کشور به یک بحران برخورد کنند، قوانین آن را با پیش‌نویس لایحه و طرح و... تدوین کند و به مسئولان بالاتر پیشنهاد دهد. به نظر من معاونت‌های حقوقی ما هم در ارائه پیش‌نویس‌های قانونی پیش قدم نیستند. تا مشکلی پیش نمی‌آید و تا مسئولین درصدد حل آن بر نمی‌آیند معاونت‌های

اگر قانون را راه وصول به اهداف بدانیم به مرور زمان همه نگاه‌ها به استناد و استمداد از قانون معطوف می‌شود و جایگاه امور حقوقی نیز شفاف‌تر می‌شود

حقوقی فعال نمی‌شوند.

وقتی بحث مدیریت مطرح می‌شود در عرصه صنعت، اقتصاد، تولید، سیاست فرقی نمی‌کند قطعاً سهم قابل توجهی از ارزیابی‌ها به خود مدیر بر می‌گردد. معمولاً ۴۰ درصد علت موفقیت یک واحد یا یک موسسه را به مدیر نسبت می‌دهند، یک بخشی هم به کارکنان و یا سهامداران یا مراجع بالاتری و امثال اینها و مجموعه شبکه. بله. قطعاً همینطور است که می‌فرمایید. معاونت حقوقی و امور مجلس هم

یک مؤسسه است مثل سایر مؤسسات؛ می‌شود در یک لحظه آن را مستقل فرض کرد. باید آن وظیفه‌ای که یک سازمان و یک مدیر انجام می‌دهد، منظور اصل برنامه ریزی و سازماندهی و اصل هماهنگی، اصل هدایت و اصل نظارت را و امثال اینها را باید انجام دهد تا به نتیجه برسد. بالاخره تلاش بکنند، مشورت بکنند و به نتیجه هم برسند. اما ما الان می‌رویم در مجلس می‌نشینیم ممکن است ظاهر قضیه این باشد که بله ساعتی را روی صندلی مجلس نشستیم، حالا نه مثل آقایان یا خانم‌های نماینده که در رای‌گیری شرکت کنیم ولی بالاخره همانجانشینیم، معاون نشسته نماینده محترم مراجعه می‌کند و یک مسئله‌ای را مطرح می‌کند. اگر معاون حقوقی خوب شناخت داشته باشد چون موضوع را می‌شناسد، بتواند با نمایندگان دیالوگی را برقرار کند. حالا آن موضوع شخص است، مدیریت است، فعالیت است، کمبود است، کار هست، مصداق را ببیند براحتی می‌تواند با یک تماس تلفن مسئله را حل کند و توافق کنند در موضوع اگر اشکالی هست بعضی وقت‌ها از همین قدم اول یک نماینده محترم یک مطلبی را مراجعه می‌کند من معاون اصلاً ممکن است در جریان موضوع نباشم و اصلاً موضوع را نشناسم. آن وقت نه تنها در ایجاد دیالوگ قدمی بر نمی‌دارم بلکه در تشدید مشکل و بحران قدم بر داشته‌ام یا من هم شروع می‌کنم از یک کسی که نباید دفاع کنم، یا باید از کسی دفاع کنم خودم هم هم‌سخن او می‌شوم و همراه با او می‌شوم یا اصلاً از موضوعی که زمینه وجود ندارد، فرضاً یک نظری اصلاً ممکن است در حوزه وزارتخانه من نیست، من به جای اینکه به وزارتخانه مربوطه‌اش ارجاع بدهم اصلاً موضوع را نشناسم حوزه کار وزارتخانه را ندانم و ایجاد توقع کنم و از قضایاتم سر موعده که قول داده‌ام تماس بگیرم، پاسخ بدهم. ملاحظه می‌کنید این مطالبات اثباتی می‌شود شما یک مرتبه ملاحظه می‌کنید یک وزارتخانه، از دید نمایندگان، کم کم وزارتخانه‌ای می‌شود که وظایفش را نمی‌شناسد. پس باید ۵۰ درصد یا ۶۰ درصد موضوع را در همان جلسه اول با حدس و گمان و به یک نقطه‌ای رساند و بقیه‌اش را حالا برای مصداق قضیه سوال کرد که چی بوده و غرض از چه قرار بوده؟ اصلاً چیزی بوده یا نبوده؟ لذا اشراف به اطلاعات و شناخت از یک وزارتخانه مأموریت‌ها پیش، ظرفیت‌هایش در ارتقای توانمندی‌های یک معاونت حقوقی و امور مجلس خیلی مؤثر است. لذا من تصدیق می‌کنم که خود فرد و به اصطلاح آن کسی که تصدیق این حوزه را در اختیار گرفته قطعاً در ارتقاء جایگاه یا تنزل جایگاه بسیار مؤثر است. ما هم با این رویکرد که واقعاً جایگاه معاون حقوقی و پارلمانی در نظام حقوقی بسیار مهم است بحث‌ها را با دیگر معاونت‌ها شروع کردیم.

● به طور کلی چند درصد طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های یک وزارتخانه با کمک معاونت حقوقی انجام می‌شود؟

اساساً یک وزارتخانه یک سیستم است و وقتی تمامی اجزای یک سیستم با هم کار می‌کنند آن سیستم مفهوم و معنایند می‌کند، مثل یک ماشین. ماشین را شما چرخش را جدا کنید، موتورش را کنار بگذارید جدا کنید، هیچی نیست شما به هیچ نقطه‌ای نمی‌رسید و ولی وقتی مجموعه با هم کار کردند بالاخره شما را به هدف و مقصود می‌رسانند. در وزارتخانه‌ها هم همینطور است اگر بخواهیم تعریف‌های انتزاعی از حوزه‌ها بکنیم ممکن است همه نفی شوند و جایگاهی هم نتوان برایشان تعریف کرد. ولی در ارتباط با هم و همدیگر را تکمیل می‌کنند و با هم معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. در حین حرکت در راستای اثبات اهمیت همه حوزه‌ها باید گفت بدون حوزه معاونت حقوقی، حوزه‌های دیگر در مسائل حقوقی، پیگیری امور قانونی و مجلس و روابط با قوای دیگر دچار مشکل خواهند شد، ولیکن این طور هم ترسیم نکنیم که انگار این حوزه، حوزه‌ای است فراتر یا مثلاً سوگلی سیستم. هر حوزه‌ای البته چنین تصور کند تنها می‌شود. لذا حتماً باید در واقع یک حوزه تنها نباشد و در صورتی که تنها نباشد موفق است و تنها نبودنش هم به اینست که اثبات کند همه مهم، همه مفید و همه حوزه‌ها دارند کار می‌کنند و یکی از حوزه‌های مهم و مؤثر و فعال هم این هست.

● جناب میرلوحی اینکه می‌فرمایید من نمی‌خواهم جایگاه برتر و یا فروتر برای معاونت حقوقی و امور مجلس تعریف کنم و در عین حال بخش اعظمی از کارهای هر وزارتخانه با معاونت حقوقی پارلمانی است متفاوت است اما سوال اصلی من این است که معاونت‌های حقوقی و امور مجلس در معرفی خود موفق نیستند. مثلاً به خود وزارت کشور نگاه کنیم حضور و معرفی معاونت حقوقی در ذهن مردم و حتی برای مسئولین چقدر پر رنگ است؟ شخص من وقتی با همکاران در مورد معاونت حقوقی و پارلمانی صحبت می‌کردیم حضوری (آن طور که بایسته است) نمی‌یافتیم. مثالی خیلی واضح و از زمان نزدیک بزنم. در اعلام شورای نگهبان برای ایجاد دفاتر این شورا در استانها همه انتظار داشتند که به هر حال اگر قرار است از وزارت کشور اظهار نظر شود یا سخنگو این نظر را اعلام کند و یا معاونت حقوقی از لحاظ تخصصی این موضوع را تشریح کند و اشکالات را مستنداً اعلام کند اما باز هم مثل همیشه کشور ما، مثل اکثر وزارتخانه‌ها، معاونت سیاسی وارد عمل شد که واکنش‌ها در روزنامه‌ها هم منعکس شد. نظر شما چیست آیا در مسائل حقوقی باید معاونت‌های حقوقی ساکت

باشند و یا پاسخگو و صاحب توضیح باشند؟

اتفاقاً برداشت شمارا تصدیق می‌کنم و حتماً باید اینگونه باشد و باید کم کم عادت کنیم به اینکه هر موضوعی را از زبان مسئول آن موضوع بشنویم. به هر حال، الان هم در کشور ما در مواردی که فرمودید نگاه متوجه مسئولین مربوطه است، درست است که معاونت سیاسی فرض کنید در این موضوع خاصی که فرمودید بهتر از من نظر بدهد ولی به هر حال چون بنده مسئولیتی دارم باید و مکلف هستم با حقوقدانان با دفتر حقوقی مشورت کنم و نظرات را بگیرم به مستندات استناد کنم و برای خروج از شکل سیاسی - که فکر نکنند که وزارت کشور یک موضع سیاسی دارد - پاسخگوی مخاطبین هم باشم. البته این هم شد شاید ملاحظه فرمودید من مصاحبه کردم و نظرات را در این خصوص گفتم، اما حالا شاید به جهت اینکه در وزارت کشور که حوزه‌ای سیاسی است و حضور معاونت سیاسی هم به نوبه آن در محافل و مراسم و جلسات خیلی بیشتر است تا معاونت حقوقی، نگاه رسانه‌ها به نظر معاونت سیاسی معطوف شد. من تأیید می‌کنم که باید سعی کنیم که مسائل را طوری توضیح دهیم که جامعه قانع شود و جامعه احساس کند مباحث، مباحث ریشه داری است و دلائل و مستندات حقوقی دارد. من در اینجا تصریح و تأکید می‌کنم که ایجاد این دفاتر از دید ما اشکال حقوقی و قانونی دارد و محمل قانونی ندارد. به خصوص، با ادبیاتی که مسئولین محترم شورای نگهبان به کار گرفتند و معتقد این که اجازه می‌دهند بعضی از همکارانشان که از دید ما هیچ شان قانونی و حقوقی ندارند حق داشته باشند الان نظر بدهند. یک انتخابات میاندوره‌ای داریم در دو استان که دارد انجام می‌شود، یک مرتبه شما می‌بینید از یک استان دیگر، در غرب کشور، آقا می‌آید به عنوان مسئول دفتر موضع می‌گیرد. به نظر ما نباید کسی به خودش اجازه دهد از زبان شورای نگهبان سخن بگوید و شان و جایگاه شورای نگهبان را در معرض نقدهای گسترده قرار دهد. علی‌ایحال، ما این قضیه را اعلام کردیم و همین جا هم اعلام می‌کنیم که این ادبیات پذیرفته نیست. ممکن است از من دستگاه اجرایی کسی سخنی غیرمستند بشنود حتی از یک نماینده‌ای ممکن است، نمایندگان مجلس قانونی را تصویب نکنند، شورای نگهبان رد کند شورای نگهبان شان و جایگاهش باید در کشور حفظ شود. واقعاً باید فراجحای و فراجحی عمل کند نباید عمل و رفتار خود را با احزاب و افرادی که شرایط خاصی یا دیدگاهی را مطرح می‌کنند مقایسه کند جایگاه شورای نگهبان فراجحی و فراجحای و فراجحی است. شخصیت‌های خدمت‌کننده نیز بایستی دارای چنین ویژگی‌هایی باشند. علی‌ایحال باید عادت کنیم مسائل حقوقی را از زبان مسئول حقوقی اعلام کنیم و

چه بسا بهتر آنکه اصولاً بیانیه بدهیم. من همین جا یک نقدی هم بکنم به روش و شیوه نقد شفاهی و فرهنگ شفاهی که در کشور رایج شده است. دفتر حقوقی و معاونت حقوقی وزارت کشور باید یک بیانیه‌ای بدهد و موضع رسمی خود را در این خصوص اعلام کند. شورای محترم نگهبان هم همینطور بیانیه رسمی بدهد. مردم، حقوقدانان و افکار عمومی هم بنشینند نقد کنند، بررسی کنند. در نهایت این مسیر نظرات و موضع‌ها، پیرایش شده و به سمت و سوی مناسب‌تر خود می‌رود.

جناب میرلوحی طرح‌های اولویت‌دار وزارت کشور در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی چیست؟

منظورتان از طرح‌ها و لوایح، طرح‌ها و لوایح در عرصه‌های مختلف را می‌فرمایید؟

خبیر، منظورم برنامه‌ها و لوایح در دست وزارت کشور است و بعد از آن می‌خواهم این سوال را بکنم کدام یک در وزارتخانه پیشنهاد معاونت حقوقی و پارلمانی است؟

اولویت‌های کار وزارت کشور یکی وظایف و مسئولیت‌های کلی است که در برنامه کار آقای خاتمی، در زمان معرفی دولت مطرح شد که مفصل است؛ در عرصه‌های سیاست، در خصوص احزاب، امور تشکل‌های مردمی (NGO) در مسائل شوراها، توجه به امور و بخش‌های اجتماعی، مسائل اقوام، مسائل مرزها، مسائل امنیتی، بخش‌هایی که در خصوص امور شهرداری‌ها مطرح هست، هر کدام از زمینه‌های طرح‌ها و برنامه‌هایی وزارت کشور دارد. از سوی دیگر باید گفت طی دو سال آینده مادی انتخابات مهم داریم انتخابات امسال شوراها و انتخابات سال آینده مجلس شورای اسلامی. اینها از مسائل مهم وزارت کشور در این دوره است. به نظر من وزارت کشور طی این دو دوره دولت جناب آقای خاتمی از وزارتخانه‌های پیشرو بوده. البته طبیعی هم هست که وزارت کشور باید چنین باشد. چون نماد دولت در تمام مناطق است. در هر حال، احساسم این است که وزارت کشور در پیگیری سیاست‌های دولت و بخصوص مواردی که آقای رئیس‌جمهور تأکید دارند مثل مسائل جوانان، مسائل بانوان، مسائل نهادسازی NGOها، پیگیری و حمایت از NGOها و مسائل خشکسالی، نهادینه کردن مشارکت مردم و مسئله انتخابات و مسئله ارتقاء سطح و جایگاه رای و حقوق شهروندی در سطح کشور، رفع تبعیض‌ها و در واقع تلاش در قانونمند کردن رفتار نهادهای قدرت و دولت با مردم. به نظر من طرح‌های مؤثر و کارهای موفق‌تری را انجام داده است.

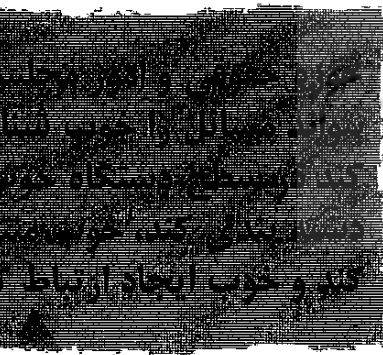
موفق‌ترین آنها کدام بوده؟

خود شوراها از کارستان‌ها و شاه‌بیت‌های برنامه آقای خاتمی بود. گرچه چون کار شورا عظمت داشت بقیه دیده نشد. در کنار آن حدود دو هزار

گروه متشکل مربوط به جوانان در این کشور شکل گرفته که بسیاری نشریه و فعالیت‌هایی قابل توجه دارند، در کارهای آموزشی، ترویجی، زیست محیطی لاقابل نزدیک به پانصد تشکل بانوان در کشور شکل گرفته و تشکلهای تخصصی و تشکلهای فعال، در گذشته هم خیلی زحمت کشیده می‌شد، ولی نگاه‌ها و کارهایی که می‌شد کارهایی نبود که دولت بخواهد روی آن نظارت و حمایت کند. ولی الان کارها سطح بندی شده، تخصصی شده و هم در حال نهادمند شدن است و نظارت بر آنها انجام می‌شود. در حوزه‌های دیگر هم همینطور مثلاً در حوزه رسانه‌های محلی حدوداً ظرفیت نشریات محلی شاید به ۱۰ برابر در بعضی استان‌ها رسیده است. اینها کارهای کمی نیست که اتفاق افتاده اما چون کار شورا خیلی بازتاب داشت و خیلی مهم بود یک فصل از قانون اساسی بود که معطل مانده بود و بالاخره اجرا شد، بقیه امور در اهمیت و توجهات قرار گرفت. برای خشکسالی برنامه‌هایی اجرا شده. خب خشکسالی یک وقتی توام می‌شود با کاهش قیمت نفت. ما نفت بشکه‌ای ۸ دلار را بفروشیم... و پنج درصد منابع را از سرجمع اختصاص بدهیم به خشکسالی، معلوم است چه اتفاقی می‌افتد. در عین حال رشد ۵/۴ درصدی داشته باشیم. ولی بالاخره این بحرانهایی شده و کشور وارد فاز سازندگی شده است.

نفرمودید به طور مشخص لوایح اولویت‌دار و برنامه‌های در دست وزارت کشور در این دوره چیست؟

ما الان لایحه مبارزه با قاچاق کالا را در دست



پیگیری داریم. بنظرم می‌آید کار مهمی است، هم به لحاظ تحول در نگاه و دیدی که به مسئله قاچاق شده و هم یک ساماندهی و ساختار سازی سیستمی در مقوله مبارزه با قاچاق که تا حالا تقریباً در بخشهای مختلف هر کدام کار خودشان را می‌کردند و خیلی ارتباط اینها با هم ملاحظه نمی‌شد و این کاری است که الان شده است و لایحه‌اش در مجلس است. لایحه اصلاح قانون شوراها که در مجلس است. لایحه مسائل مربوط به خشکسالی را، مسائل مربوط به شهر

را، آمد و رفت ترافیک و امثال اینها را داریم. البته سازمان‌های وابسته هم لوایح خودشان را دارند. همین الان لایحه استخدامی نیروی انتظامی، مراحل شور دوم را طی می‌کند. بحث جمع عوارض، به هر حال مجموعه لویحی که ما الان در مجلس داریم فکر می‌کنم هم از نظر تعداد و هم از نظر اهمیت و حساسیت و هم از جهت تنوع موضوعات بیشتر از همه دستگاه‌های اجرایی کشور است هم در دولت و هم در مجلس. ما در شش ماهه دوم سال ۸۰، دو بیست طرح و لایحه را در وزارت کشور بررسی کردیم و اظهار نظر کردیم. در ماه خرداد، ۸۲ طرح و لایحه را بررسی کردیم. هیچ وزارتخانه‌ای از نظر حجم بررسی‌ها مثل وزارت کشور نیست. این به جز ارائه مشورت‌های حقوقی است. که استانداری‌ها، از کارشناسان، از حوزه‌های تخصصی سؤال بکنند و بررسی و کار کارشناسی و اظهار نظر بکنند. در وزارت کشور یک چنین حجم و فعالیت کاری وجود دارد.

● **این حجم تعداد لوایح و برنامه‌ها خیلی بالاست. اما پشتوانه پژوهش‌های حقوقی برای این لوایح چقدر است؟ یعنی چند درصد این لوایح واقعاً با پشتوانه پژوهش حقوقی بررسی و نهایی می‌شود؟**

چون وزارت کشور، ۹۰۰ بخش‌داری دارد، حدود ۳۰۰ فرمانداری دارد. استانداران را دارد یک حجم وسیعی از کارشناسان خبره‌ای که بالاخره اینها افراد معمولی نیستند در حال فعالیت هستند. گرچه ما در امور حقوقی از دو طریق یکی خود کارشناسانی که الان داریم و باز با ارتباطی که با کارشناسان دیگر برقرار کردیم و سعی می‌کنیم

وزارت کشور هم از طریق مراکز علمی و دانشگاهی نیازهایش را برطرف کند و هم کارشناسان دائمی نیز تعدادی از این کارها را بگیری و انجام می‌دهند. یکی هم ظرفیتی که در استانداریها داریم بعضی از طرح‌ها و لوایح را با فوریت به استاندارانی که بیشتر، مرتبط با موضوع هستند ارسال می‌کنیم و نظریه دریافت می‌کنیم. این امکان را سایر دستگاه‌ها با این مفهوم ندارند.

● **منظورم نظر کارشناسی و مشاوره‌های درون نهادی نیست. پژوهش‌های کاملاً تخصصی و علمی است.**

وزارتخانه‌هایی توانند تامین منابع بکنند، مشاوره بگیرند. یک سیستم‌های قوی برای امور پژوهشی بگیرند، که این محدود است و در عین حال در حال انجام است. مواردی داشتیم در مسائل اجتماعی در امور سیاسی و حتی در عرصه بین‌المللی کار پژوهشی انجام شده، تجارب کشورهای دیگر بررسی و در قالب جزوه‌های قطور جمع‌آوری شده ولی این کارها در واقع کاری است که با تنوع کارهای وزارت کشور جواب نمی‌دهد. نه منابع اینقدر داریم که برای هر موضوعی در نظر بگیریم، نه زمان آنقدر داریم که فرضاً دو سال، یک سال، سه سال منتظر بمانیم تا یک پژوهش به مفهوم علمی کلمه از نقطه مناسبی شروع به نقطه مناسبی وصل بشود و بعد اعلام نظر کنیم. البته وزارتخانه شورای پژوهش دارد که روی مسایل پژوهشی کار می‌شود. بررسی می‌شود ولی ما نمی‌توانیم به این روش‌ها اکتفا کنیم. ما باید همه روش‌ها را آزمایش کنیم که بتوانیم «وزارت کشور» باشیم و گزینه نظردهی

آشنا باشید، راحت‌تر هم می‌شوید. وقتی به یک قانون استناد می‌کنید، تنها نیستید در استدلال، قانون به کمک شما می‌آید. ولی حداقل دفتر حقوقی باید چنین باشد وگرنه غیر از این باشد آنوقت دچار یک مشکلی می‌شود که شاید لطمه به جایگاه دفتر حقوقی و امور مجلس بزند. چون به هر حال تابلوی دفتر حقوقی است، باید افرادی هم حقوقدان باشند باید اینها شان و جایگاه آشنایی، حالا مقدارش بحث دیگری است. آشنایی فی‌الجمله هم کافی نیست بلکه تخصصی روی موضوع داشته باشند. این ویژگی در وزارت کشور تقریباً هست.

الان دیگر اگر کسی بخواهد بدون برنامه تخصصی و کارشناسی فکر کند لطمه می‌زند به کشور به انقلاب و به دستگاه اجرایی. ما حتماً باید سعی و تلاش بکنیم که افراد متخصص را در حد ضرورت در بخش‌ها جایگزین کنیم. کسی دنبال حداکثرها نیست کسی مطلق‌انگاری نمی‌خواهد بکند ولی حداقل نیاز را باید تامین بکند.

● **نفرمودید در زیرمجموعه شما چند درصد کارکنان حقوق خوانده‌اند؟**

در دفتر حقوقی الحمدالله افراد حداقل لیسانس دارند و تعدادی هم کارشناس ارشد هستند. از اساتید و خبرگان هم به صورت موردی کمک گرفته می‌شود.

● **چون بحث ما لوایح حقوقی و برنامه‌های وزارت کشور بود می‌خواستیم به طور خاص ایرادات شما را پیرامون لایحه تقسیمات کشوری بدانم.**

یک سازمان اگر ساختار خوبی هم داشته باشد ولی برنامه ریزی اشتباه باشد، هدایت کننده نداشته باشد، نظارت نداشته باشد، هماهنگی نداشته باشد، این ساختار هرچه زیبا باشد و هرچه متناسب با نیاز باشد مشکل را حل نمی‌کند. در مسئله تقسیم کشور هم یک مسئله ساختار مطرح است. بحث ظرف است. بعضی‌ها فکر می‌کنند ظرف حالا مثلاً چینی و مینا و قشنگ ظرفی چه فرقی می‌کند. بله قشنگی روی طاقچه و ویتترین دارد ولی تأثیر و درکی در کسی که روبروی آن نشسته ندارد. من سه واژه را استفاده می‌کنم و می‌گویم اگر تصمیمات ما این ویژگی را داشته باشد تصمیمات خوب و مثبت و ثمربخش است. این سه ویژگی یکی «عقلانی»، «علمانی» و «عدلانی» عمل کردن است. بالاخره تصمیم را باید عقلی بگیریم حالا تقسیمات است؟ ایجاد وزارتخانه است؟ توسعه سیستم یا انقباض یک سیستم است فرق نمی‌کند، ما باید بتوانیم عقلی عمل کنیم، بعد علمی عمل کنیم یعنی باید ببینیم دنیاچه کرده. در صنعت، در تولید، اقتصاد، در مسائل اجتماعی تجربه‌های قابل تامل دارد. حالا چرا تجربه دیگران را استفاده نکنیم؟ علم که مرز نمی‌شناسد اگر عادلانه نگاه کنیم هر کسی به حق خودش می‌رسد به سهم



ما هم محدود می‌شود.

● **جناب میرلوحی چند درصد کارکنان زیرمجموعه معاونت حقوقی و پارلمانی، تحصیلات تخصصی مرتبط با رشته حقوق دارند؟ در رده لیسانس و یا بالاتر، واقعاً چند درصدشان با علم حقوق آشنایی دارند؟**

حداقل کارکنان دفتر حقوقی باید با علم حقوق آشنا باشند. گرچه بنده به دفتر امور مجلس هم همین نگاه را دارم و بعضی مواقع که پاسخ یک نماینده را می‌خواهید تهیه کنید باید با علم حقوق

نظر آنها را داشته باشیم و بعضی وقتها در بعضی لوایح اصلاً می‌رویم سراغ کارشناس خبره خاصش را پیدا می‌کنیم و نظر او را می‌خواهیم مسائل را پیگیری می‌کنیم. بالاخره این نظرات و اعلام نظرها بدون بررسی‌ها و کارشناسی نمی‌شود. طرح دیگری هم در ذهن داریم که در مراحل بررسی است و آن استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها به طریق مشارکت در تدوین پایان‌نامه‌هاست که در نظر داریم وزارت کشور را به آن اقیانوس علمی وصل کنیم تا

خودش می‌رسد. خیلی از این دعوای و نزاع‌ها، تبعیض‌ها و خیلی از گرفتاری‌ها که در سیستم‌ها و ساختارها هست و در جامعه نارضایتی به وجود می‌آورد، محصول این سه غفلت عقلانی، علمانی و عدلانی است. مردم فکر می‌کنند باید توسعه پیدا کنند باید روستای آنها شهر بشود، مرکز استان شوند اینها فی نفسه بد نیست بدی‌اش این است که می‌خواهند بدون اقدام، بدون فعالیت و بدون تلاش، با یک تغییر تابلو این کار را انجام دهند، یعنی فکر می‌کنند تابلوی یک شهرستان را بردارند اسمش را بگذارند استان می‌شود استان! تابلوی یک بخش را بردارند می‌شود شهرستان!

اگر روستایمان صنعت اقتصاد، تولید و شغل داشته باشد، هر چه اسمش باشد مهم نخواهد بود. نگرانی من از مسایل ساختاری است. به نظر من توقعاتی که در عرصه‌های دیگر نتوانستیم به آن پاسخ بدهیم متأسفانه مترجم شده آمده پشت موضوع تقسیمات کشوری انباشته شده و یک حجم عظیمی از انرژی مسئولان و نخبگان دولت و به خصوص وزارت کشور را مصروف یک چنین موضوعی کرده. در عین حال می‌دانیم نه منابع ما اضافه می‌شود، نه صادرات ما، نه اشتغال، من خودم استاندار بودم و می‌دانم دولت قرار است کوچک بشود. باید گفت بخش می‌شوید بشوید اما قرار نیست دیگر اداره صنایع و اداره استاندارد، اداره چینی و چی داشته باشید. شما ممکن است بخش باشید با سه تا اداره، شهرستان است حوزه مربوط به بخش دیگر، فقط ممکن است جهاد کشاورزی بیاید و بقیه نباید و یک شهرداری و یک جهاد کشاورزی باشد چه اشکالی دارد. اما می‌بینم به این مسائل که اکتفا نمی‌شود بعدش طومارها و درخواستها سرازیر می‌شوند. علی‌الاحمال نگاهی که الان وزارت کشور دارد اینست که اگر بشود برنامه‌های رییس جمهوری را که در واقع تبدیل جریان از روند واگرایی در تقسیمات کشور به روند همگرایی است پیش ببرد. اما ما با این تقسیمات پی در پی به جایی نمی‌رسیم اصلاً چیزی عاید مردم نشده و نمی‌شود، ما باید مسئله تقسیمات را از مسئله توسعه، پیشرفت جدا کنیم. اگر بتوانیم و دولت بتواند یک بحث فرهنگی بکنیم و اینکه برای جامعه نقش بودجه و نقش دولت را، نقش نفت، نقش همه اینها را بشکافیم تا معلوم بشود که چه داریم که بر تقسیم آن نیاز داریم.

لذا ما راه‌های توسعه منابع و افزایش منابع را در مرحله اول باید جستجو کنیم که اینها خیلی ربط به این مسئله ندارد و در مرحله بعدی راه‌های رشد و توسعه مناطق را و بخشها و توزیع منابع و توزیع عادلانه را کاری بکنیم که این استنباط را از مردم دور کنیم که فکر کنند با یک تابلو مسئولان حل خواهد شد و اگر چنین نشد و فضا از حالت التهابی درآمد، آنوقت می‌افتد روی فاز طبیعی خودش و طبیعی است بعضی افراد در مناطق زحمت

کشیدند یک روستایی را توسعه دادند و ارتقاء دادند، پیشرفت کرده و آماده شده برای اینکه شهر بشود. این همه جاده‌هایی که مادر سطح کشور می‌کشیم، این خدماتی که می‌دهیم، راه آهن و... طبیعی است جمعیتها جابجا می‌شوند، مردم مناطق ظرفیت‌ها را می‌شناسند در بخشهای کشاورزی، گردشگری صنعت، ظرفیت‌های جدید شناسایی می‌شود و عرض کردم هیچ اشکالی ندارد. اما اینکه ما فقط بخواهیم تابلوها را عوض کنیم توقعات و مطالبات را دامن بزنیم و در یک پروسه سطح نارضایتی عمومی را عملاً شکل بدهیم. هیچکس از وضع موجود راضی نیست و این روش هیچ دردی را دوا نمی‌کند. در این رابطه وزارت کشور یک طرحی را طراحی کرده پیام اول این طرح این است که در مرحله اول شهرستانها را درجه بندی بکند، ما تا حالا وقتی می‌گویم فرمانداری کرج با جمعیت کلانش که از کلان شهرهاست یک فرمانداری است شهرستانی هم داریم که با جمعیت زیر ده هزار نفر جمعیت دارند مگر در نقاط حساس مرزی شهرستان نداریم. آنهم اسمش یک شهرستان که این را می‌گویند آنرا هم می‌گویند، فرمانداری این سطح بندی شده، درجه بندی شده، فرماندار درجه یک همه بدانند سطح این‌ها، مسائل، جمعیت، نگاهها به این‌ها متفاوت خواهد بود این مرحله اول کار است در این طرح.

سطح بندی فرمانداری‌ها و درجه بندی فرمانداری با همان ۳۰۰ فرمانداری که داریم و بخشداری‌ها در مرحله بعدی، ما تعریف‌هایی که از این‌ها خواهیم داشت. در آینده... اینها سوال مربوط به شهرستانهای درجه ۲ و ۳ تفاوت خواهد داشت و بنا به فاکتورهای مختلفی که شاید حدود ۶۰ شاخص فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و امنیتی و جغرافیایی را در واقع ملاک قرار دادند. کارشناسان این مرحله کارهایش آماده و انشاءالله به مرحله تصمیم‌گیری و تقدیم به دولت می‌رسد. مرحله دیگر بحث بازنگری به سطوح ساختاری تقسیمات است و مستحضردر در کشورهای مختلف مثلاً پاکستان همسایه ما این کشور کلاس ۵ ایالت دارد، ایالت پنجاب، هشتاد میلیون جمعیت دارد. مثلاً یک ایالت به تعبیر ما یک استان یا در ترکیه حالا یک سیستم متفاوت با آنطرف پاکستان فرمانداری والی دارند. والی‌هایی که جمعیت‌های محدودی دارند، یعنی حدوداً بیش از ۶۰ والی دارند یک سیستم‌های استانی و شبه استانی دارند. ولی عموماً به مرکز وصل هستند و به وزارت کشور وصل هستند. خوب آن هم یک سیستم است به تعبیری در سطح فرمانداری ولی نه فرمانداری‌های ما، چیزی بین استانداری و فرمانداری. در ترکیه سطح بندی شده درحالی که در پاکستان، هشتاد میلیون جمعیت در پنجاب است. همچنین قطب قدرتمند سیاسی و فرهنگی، اقتصادی هم هست. در کشور ما بحثی که هست بحث قانون اساسی است. قانون اساسی از یک طرف بحث و مسئله

استان‌ها و استانداران را ذکر کرده. پس سطحی که مطرح می‌کنیم ذیل استنادی که نمی‌تواند باشد، بالاتر از استنادی که حتماً باید از منظر قانون اساسی نگاه کنیم. نکته‌ای که من می‌خواهم طرح موضوع کنم و روی آن صاحب نظران بحث کنند اگر ما یک طیفی از ساختارهای سلسلی را در نظر بگیریم، یک طرفش ساختارهای متمرکز، قبیله‌ای یا کمونیستی هستند، و یکطرفش هم فدراتیو هست. ما اگر بخواهیم فدراتیو بشویم در قانون اساسی ما پیش‌بینی نشده دغدغه وجود نیروهای گریز از مرکز در کشور ما مطرح است و بعضی نگران هستند، و لذا فدراتیو در نوع خودش تجربه شده و موفق هم هست. در کشورهای صنعتی دارند، هم کشورهای آسیایی مثل هند و پاکستان که همسایگان ما هستند واقعا تجربه خوب و موفق است. هرچه بیشتر باید قدرت را توزیع و نهادینه کرد ولی به این دغدغه برخی عقلای کشور هم باید توجه داشت. در فدراتیو کردن باید حتماً به این مطلب توجه داشت و ملاحظه کرد. لذا بنده فکر می‌کنم باید یک نقطه ما بین تمرکز و فدراتیو را انتخاب و در چهارچوب ظرفیت‌های موجود قانون اساسی این را یک طراحی ساختاری رفتاری عملکردی بکنیم و کم کم قوانین و مقررات را هم متناسب سازی کنیم. هنوز وزارتخانه‌ها بی‌تعارف نمی‌توانند بسیاری از اختیاراتشان را تفویض کنند و خلاصه مثل کش که هرچه می‌کنی رها می‌کنی بر می‌گردد سر جای خودش. هنوز در بحث قدرت و اختیارات اینگونه تا رها می‌کنی بر می‌گردد جای اولش. البته بایستی در استان‌ها کار بشود. متأسفانه کشتش آنطرف هم کم است پذیرش آنطرف هم کم است یعنی ما باید همزمان هم وزراء و دستگاهها و مسئولان را به باور تفویض اختیارات برسانیم و هم در استانها به طور جدی به مدیران استانی به نحوی آموزش بدهیم که مسئولیت را بپذیرند و رها نکنند و در موقعیتهای پاسخگویی در مجلس وزیر را تنها نگذارند. این دو اتفاق اگر بیفتد و تفویض قدرت را گسترده کنیم چرا که این شکل قطره چکانی تفویض جواب نمی‌دهد و باید بطور گسترده این کار را بکنیم آنوقت آن نقطه‌ای که من عرض کردم یعنی کم کم فضا به سمت سیستم فدراتیو مسیل خواهد کرد. اما به جهت اینکه ظرفیت قانون اساسی به گونه‌ای است که باید در شرایط دیگری باید تصمیم‌گیری شود. لذا اول باید نگاه به جنبه‌های کلان به مسئله را حل کرد آنوقت به اصل پرداخت. البته وزارت کشور زمینه‌های اصلی قضیه را فراهم کرده که حداقل ایده‌ها شکل بگیرد، طراحی و مزینها و معایب مطرح بررسی شود و این کار را شروع کرده یک بحث فکری و نظری را اول انجام بدهیم و در چهارچوب قانون اساسی موجود و دولت و مجلس، مشورتی با مقام معظم رهبری هم باید انجام شود و نتیجه را به دولت و مجلس ارائه کنیم.